موضوع: نقد مسیر پیامبری، روش شناسی بحث

استناد به قرآن در مساله حقیقت پیامبری

موضوع بحث استناد به آیات شریفه قرآن بود که بیان می دارند پیامبری امری الهی است. در این باره چند دسته از آیات در جلسه گذشته بیان شد، اکنون به ادامه آن بحث می پردازیم:

6. آیات نزول

این دسته بیان می کند که آنچه انبیاء الهی بیان فرموده اند، چیزهایی نبوده که خودشان تامل کنند بلکه به ایشان وحی شده است:

آیه 1 سوره فرقان: «تَبارَكَ الَّذي نَزَّلَ الْفُرْقانَ عَلى‏ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعالَمينَ نَذيراً».

آیه 136 سوره نساء: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذي نَزَّلَ عَلى‏ رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعيداً »

آیه 23 سوره بقره: «وَ إِنْ كُنْتُمْ في‏ رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى‏ عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ»

این آیات همچنین آن فرضیه ای که بیان می کند شخصیت برین پیامبر بر شخصیت فرودین ایشان وحی فرستاده است را نیز رد می کند.

آیه 3 سوره آل عمران: «نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيل‏»

آیه 196 سوره اعراف: «إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحينَ »

آیه 113 سوره نساء: «وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَ ما يُضِلُّونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْ‏ءٍ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ ما لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظيماً »

در مورد کلمه حکمت در آیه تفسیرهایی بیان شده است. برخی گفته اند کتاب همان قرآن و حکمت سنت نبوی است. به نظر دیدگاه صحیح این است که عطف حکمت بر کتاب، وصف یا همان عطف تفسیری است نه اینکه مطلب دیگری باشد، و معنای آن این است که قرآن همه اش حکمت است. شاهد این معنا آن است که اولا: در برخی آیات دیگر از کل قرآن به عنوان حکمت یاد شده است: «یس و القرآن الحکیم». ثانیا قرآن فعل تشریعی الهی است و قطعا فعل او هم حکیمانه است.

آیه 39 سوره اسراء: «ذلِكَ مِمَّا أَوْحى‏ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ لا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَتُلْقى‏ في‏ جَهَنَّمَ مَلُوماً مَدْحُوراً». از آیه 23 مجموعه از احکام بیان شده است و در این آیه بیان می کند که اینها همه از باب حکمت است.

این آیات به روشنی بیانگر آن است که قرآن از جانب خداوند نازل شده است و غرض از نزول قرآن این بوده که آن حضرت برای عالمیان نذیر باشد.

7. آیات تلقی و القاء

دلالت این آیات نیز مانند آیات نزول است

آیه 6 سوره نمل: «وَ إِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكيمٍ عَليمٍ»

آیه 86 سوره قصص: «وَ ما كُنْتَ تَرْجُوا أَنْ يُلْقى‏ إِلَيْكَ الْكِتابُ إِلاَّ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلا تَكُونَنَّ ظَهيراً لِلْكافِرينَ»

در آیه ای دیگر می فرماید: «أَ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنا بَيْنَهُمْ مَعيشَتَهُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُون». قرآن در این آیه بیان می کند که تغذیه جسم شما هم به عهده من است، چگونه شما می توانید روح بشر را از جهت هدایتی تغذیه کنید؟

آیه 25 سوره قمر: «أَ أُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ»

آیه 15سوره غافر: «رَفيعُ الدَّرَجاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلى‏ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلاق»

روح در این آیه را به وحی و نیز حضرت جبرئیل (ع) تفسیر کرده اند. بدین جهت به وحی روح گفته شده که وحی عامل حیات است و عمدتا مربوط به حیات روحانی می شود.

8. آیات خطابیه

در این آیات پیامبر (ص) مخاطب قرار گرفته است، و قاعده این است که مخاطب غیر از خطاب کننده است. بنابراین اینکه بگوییم قرآن کریم اینگونه بوده که از ذهن پیامبر تراوش کرده نادرست است، بلکه دیگری با ایشان صحبت کرده و این مطالب را به ایشان القاء کرده است.

در قرآن کریم بیش از 300 مورد پیامبر اکرم (ص) با کلمه «قل» مخاطب واقع شده است. نویسنده کتاب مسیر پیامبری و آقای سروش درباره قل های قرآن گفته اند: می توانیم اینگونه توجیه کنیم که گاه انسان ها خودشان را مخاطب قرار می دهند.

در پاسخ می گوییم: این مطلب را ما نیز قبول داریم اما بر خلاف اصل است. انسان گاه در خلوت خودش تامل می کند و خود را مخاطب قرار می دهد، این مساله در میان عقلا متعارف است، اما این شخص وقتی فکر کرد دیگر همین ادبیات را در میان مردم بکار نمی برد و بر خطابه منبر به مردم نمی بگوید «بگو مردم فلان کار را بکنند». این دیگر متعارف نیست. آن حضرت نیز که در خلوت خودش نیست، بلکه با مردم سخن می گوید

ممکن است گفته شود همین اشکال بر تفسیر شما که قرآن را وحی الهی می داند نیز وارد است و پیامبر باید در بیان این آیات به مردم کلمه قل ها را حذف می کرد. اما این اشکال وارد نیست، زیرا بیان این قل ها یک وجه حکمی عقلانی دارد که حسن است و آن اینکه پیامبر (ص) بیان می کند من عبد الهی هستم و هر چه به من وحی شود آن را بدون دخل و تصرف بیان می کنم.

سوال و جواب

اهل سنت سخن صحابه را بدون کم و کاست می پذیرند در حالی که این امر نادرست است. همان طور که ابوحنیفه هم گفته است: صحابه اگر مطلبی را از پیامبر (ص) شنیده و نقل کنند و یا وقایع زمانشان را نقل می کند، مورد قبول است، اما اگر رای و نظر خودشان را بیان کنند، برای ما تسلیم آور نیست، زیرا آنان مجتهد بودند و ما نیز مجتهد، مگر اینکه آن صحابی جایگاه ویژه ای داشته باشد، مانند حضرت سلمان (ع) که فرمودند اهل حکمت است و یا معصوم باشد.

حاصل آنکه به سه جهت این آیات خطابیه دلالت دارد که خطاب کننده خدای متعال است:

1. اصل عقلایی این است که خطاب کننده غیر از خطاب شونده است و خلاف آن نیازمند شاهد و قرینه است .

2. قبل و بعد از این خطاب ها مطالبی است که به قرینه سیاق بیانگر آن است که این آیات از جانب خداوند است.

3. محتوای این خطاب ها چیزی است که جز از خداوند نمی تواند باشد، مثل اینکه خطاب کننده می فرماید: «یا عباد الذین اسرفوا».

آیه 53 سوره زمر: « قُلْ يا عِبادِيَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلى‏ أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيم‏»

آیه 10 سوره زمر: « قُلْ يا عِبادِ الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذينَ أَحْسَنُوا في‏ هذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَةٌ إِنَّما يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِساب‏»

آیه 31 سوره ابراهیم: « قُلْ لِعِبادِيَ الَّذينَ آمَنُوا يُقيمُوا الصَّلاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لا بَيْعٌ فيهِ وَ لا خِلال‏».

آیه 48 و 49 سوره حج: « وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَها وَ هِيَ ظالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُها وَ إِلَيَّ الْمَصيرُ (48) قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّما أَنَا لَكُمْ نَذيرٌ مُبين‏».

آیه 51 و 52 سوره فصلت: « وَ إِذا أَنْعَمْنا عَلَى الْإِنْسانِ أَعْرَضَ وَ نَأى‏ بِجانِبِهِ وَ إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعاءٍ عَريضٍ (51) قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ في‏ شِقاقٍ بَعيد».

آیه 23 سوره شوری: « ذلِكَ الَّذي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى‏ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُور».

ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد